

زبان عربی

** عَيْنَ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱- انزعجتُ من زميلي كثيراً لأنه لم يساعِدني و أنا أملتُ بمساعدته:

- ۱) از همکلاسی خود بسیار رنجیدم، چه او برای چه به من کمک نمی‌کند حال آن‌که به کمکش امید دارم!
- ۲) همکارم را بسیار آزردم، زیرا او به من کمک نکرد درحالی‌که به مساعدت او امید بسته بودم!
- ۳) از همکار خویش بسیار رنجیدم، چرا که او به من کمک نخواهد کرد حال آن‌که به کمک او امیدوار بودم!
- ۴) از همکلاسی‌ام بسیار آزرده شدم، زیرا او به من کمک نکرد درحالی‌که من به کمک او امید داشتم!

۲- أ لا تدري أن مهمّتي لا تنتهي الآن و سأرجع في منتصف الليل إلى البيت:

- ۱) آیا نمی‌دانی که مأموریتم را الان به پایان نمی‌رسانم و نیمه شب به خانه باز خواهم گشت؟
- ۲) آیا نمی‌دانی که مأموریت من اکنون به پایان نمی‌رسد و در نیمه شب به خانه بر خواهم گشت؟
- ۳) هان! می‌دانی که مأموریتم اکنون تمام نمی‌شود و نصف شب به خانه‌ام باز خواهم گشت!
- ۴) آیا نمی‌دانی که مأموریت الان به پایان نمی‌رسد و نصف شب به خانه برمی‌گردم؟

۳- «لن تنالوا البرَّ حتّى تنفقوا ممّا تحبّون»:

- ۱) نیکی را به دست نیاورده‌اید، تا از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید!
- ۲) به نیکی دست نخواهید یافت تا از آنچه که دوست دارید، انفاق کنید!
- ۳) به نیکی نخواهید رسید مگر از آنچه که دوست داشتید، انفاق کنید!
- ۴) نیکی را به دست نخواهید آورد تا اینکه از آنچه که دوست دارید، انفاق شود!

۴- هذه البومة تهجم على أفرأخنا فعلىنا بالتخلّص منها:

- ۱) این جغد به جوجه‌هایمان حمله می‌کند پس ما باید از آن رهایی یابیم!
- ۲) این جغدی است که جوجه‌هایمان را مورد حمله قرار می‌دهد پس باید ما از آن خلاص شویم!
- ۳) رهایی یافتن از این جغد که به جوجه‌ها حمله می‌کند، بر ما واجب است!
- ۴) ما باید از این جغد خلاص شویم پس آن به جوجه‌های ما هجوم برده است!

۵- كانت تؤدّي مشاركة الإيرانيين في قيام الدولة العباسية إلى ازدياد المفردات الفارسية في العربية:

- ۱) فراوانی واژگان فارسی در عربی به مشارکت ایرانی‌ها در نهضت دولت عباسی منجر می‌شد!
- ۲) مشارکت ایرانیان در قیام حکومت عباسی گسترش کلمات فارسی در عربی را به‌وجود آورد!
- ۳) مشارکت ایرانیان در قیام حکومت عباسی به گسترش واژگان فارسی در عربی، منجر می‌شد!
- ۴) شرکت کردن ایرانیان در قیام عباسیان، باعث شد تا کلمات فارسی در عربی رایج شود!

۶- «إنّ الإنسان لفي خسرٍ إلّا الّذين آمنوا و عملوا الصّالحات»:

- ۱) همانا آدمی در ضرر است جز آن کسانی که ایمان آوردند و به عملی پسندیده روی آوردند!
- ۲) قطعاً انسان در زیان است مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند!
- ۳) به‌جز کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای نیکو انجام می‌دهند، قطعاً انسان در زیان است!
- ۴) فقط کسانی که ایمان آوردند و کارهای خوب کردند در زیان قطعی انسان نیستند!

۷- وصفتُ كلَّ ملبِغٍ كما تحبُّ و ترضى:

- ۱) همان‌گونه که دوست داری و راضی می‌شوی هر با نمکی را وصف کردم!
- ۲) هر نمکینی را توصیف کردم به گونه‌ای که آن را دوست می‌داری و رضایت‌بخش می‌شود!
- ۳) همان‌گونه که دوست داری و خشنود می‌شوی، همه با نمک‌ها را توصیف کردم!
- ۴) هر با نمکی را که تو می‌پسندی و خشنود می‌شوی، همان‌گونه وصف می‌کنم!

١٦- «تَجَمَّعَ»:

- (١) للغائبة - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - معلوم / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية
- (٢) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - لازم / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية
- (٣) مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي (ماضيه: جمّع) - معرب / فعلٌ، و الجملة فعلية
- (٤) مزيد ثلاثي (من باب تفعّل، و حروفه الأصلية: ج م ع) - مجهول - معرب / مع فاعله جملةٌ فعلية

١٧- «تَوَحَّشَ»:

- (١) اسم - مفرد مذكّر - اسم فاعل (من فعل مجرد ثلاثي) - معرب / خبر، و الجملة اسمية
- (٢) مفرد مذكّر - اسم فاعل (ماضيه: توَحَّشَ و مصدره: توَحَّشَ) - مبني / خبر
- (٣) اسم فاعل (من فعل مزيد، باب تفعيل) - نكرة - معرب / خبر و مرفوع
- (٤) مفرد مذكّر - اسم فاعل (مصدره: توَحَّشَ) - نكرة / خبر و مرفوع

١٨- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) بَدَأَ الْمَزَارِعُ يُفَكِّرُ فِي سَبَبِ ذَلِكَ.
- (٢) أَعْتَقَهُ النَّبِيُّ وَ أَرْسَلَهُ إِلَى قَوْمِهِ بِإِعْزَازٍ.
- (٣) الْحَيَوَانَ يُسْتَرِيحُ بَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ.
- (٤) مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْمَعَارِضَةِ قَبْلَ أَنْ يُفْهَمَ.

*** عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١٩- عَيْنُ الْخَطَا:

- (١) المظلة: حيوانٌ يمشى على بطنه.
- (٢) المسك: عطرٌ يتخذُ من نوعٍ من الغزلان.
- (٣) العجوز: الرَّجُلُ أَوْ الْمَرْأَةُ الْكَبِيرَةُ فِي السَّنِ.
- (٤) الخد: عَضُوٌّ فِي وَجْهِ الْإِنْسَانِ.

٢٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرَادُفِ:

- (١) يَتَحَقَّقُ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ: (بِتَعَدُّي)
- (٢) التَّنَازُلُ بِالْأَلْفَابِ مِنْ أَفْجِحِ الْأَعْمَالِ: (أَنْكِر)
- (٣) إِنْ شَكُوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نَحْنُ فِي الْوَكُنَاتِ: (أَسْتَعِيثُ)
- (٤) الطَّائِرُ يَنْقُرُ جَذْعَ الشَّجَرَةِ: (عَجِين)

٢١- عَيْنُ مَا فِيهِ مَعْرَفٌ بِالْعِلْمِ:

- (١) هُوَ صَابِرٌ حَقًّا لِأَنَّهُ لَا يَغْضَبُ أَبَدًا.
- (٢) ذَلِكَ صَاحِبِي سَعِيدٌ وَ أَنَا أَحِبُّهُ كَثِيرًا.
- (٣) خَلَقَ اللَّهُ جِبَالًا كَبِيرَةً بِقُدْرَتِهِ.
- (٤) لَا أَظْلَمُ مَظْلُومًا لَا يَقْدِرُ عَلَى الدَّفَاعِ.

٢٢- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْمَبَالِغَةِ:

- (١) سَلِّمْتُ عَلَى خُبَّازٍ وَ هُوَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَيَّ.
- (٢) أَسْتَاذُنَا فَهَامَةٌ لِأَنَّهُ يَفْعُو عَنْ سَيِّئَاتِنَا.
- (٣) نَقَلَهُ بِالنَّاقِلَاتِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَفَقَةً.
- (٤) يَا رَبِّي الرَّزَاقُ احْمِنِي فِي الْمَشَاكِلِ.

٢٣- عَيْنُ مَا فِيهِ الشَّرْطُ:

- (١) مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ.
- (٢) مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَلِّ الْقَضِيَّةِ الصَّعْبَةِ.
- (٣) مَا تَزْرَعُونَ فِي مَزْرَعَتِكُمُ الْكَبِيرَةَ وَ الْخَضِرَةَ.
- (٤) مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.

٢٤- عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ الْفَاعِلِ مِنَ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ:

- (١) لَمْ يَصَدِّقْ الْمُسْلِمُونَ قَوْلَهُ وَ تَرَكُوهُ.
- (٢) هَذَا الشَّيْخُ مَعْرَازٌ عِنْدَ جَمِيعِ النَّاسِ.
- (٣) أُخْرِجْ رَئِيسَ هَذِهِ الْمُنْظَمَةِ بِسَبَبِ الْخِيَانَةِ.
- (٤) مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ.

٢٥- عَيْنُ الْمُسْتَثْنَى يَخْتَلِفُ:

- (١) طَالَعَتْ الْكُتُبَ الَّتِي أَحْبَبْتُهَا إِلَّا الْكِتَابَ الْوَاحِدَ.
- (٢) لَا يَرْسِبُ فِي امْتِحَانِ الْغَدِ إِلَّا حَبِيبِي.
- (٣) حَضَرَ التَّلَامِيذُ فِي الْحَفْلَةِ إِلَّا أَرْبَعَةً مِنْهُمْ.
- (٤) قَمْنَا بِإِعْتِقِ الْأَسْرَى إِلَّا الْقَلِيلَ مِنْهُمْ.